

مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان
دوره دهم، شماره پانزدهم (ویژه‌نامه اصفهان)
زمستان ۱۳۷۷، صص ۳۴ - ۲۵

نخستین فاتح اصفهان بعد از اسلام

دکتر اصغر منتظرالقائم*

چکیده

در میان روایات مربوط به فتح اصفهان به دست مسلمانان، دو نفر به عنوان فاتح اصفهان معرفی شده‌اند.

یک دسته روایات عبدالله بن بُدَیْل بن وُرْقَاء خُزَاعِی و دسته‌ای دیگر عبدالله بن عبدالله بن عَتْبَان انصاری را فاتح اصفهان معرفی کرده‌اند. پس از بررسی و تحقیق درباره این دو دسته روایات بر ما روشن گردید، روایت اول که منبع آن محمد بن اسحاق است، خبری متواتر و به واقعیت نزدیکتر است. روایت دوم - که از سیف بن عمر تمیمی یکی از افسانه‌پردازان مشهور تاریخ اسلام است - یک افسانه است و سیف شخصی را به نام عبدالله بن عبدالله بن عَتْبَان وارد تاریخ کرده و او را به عنوان فاتح اصفهان معرفی کرده است و برای درست نشان دادن روایت خود به تخریب روایت فاتح واقعی یعنی عبدالله بن بُدَیْل بن وُرْقَاء خُزَاعِی پرداخته است. ما در این مقال بر آن هستیم که روایت اول مبنی بر فاتح بودن عبدالله بن بُدَیْل را اثبات نماییم.

واژه‌های کلیدی

سیف بن عمر تمیمی، فاتح اصفهان، اصفهان، عبدالله بن بُدَیْل

مقدمه

دربارهٔ چگونگی فتح و نام فاتح اصفهان میان مورخان اختلاف نظر وجود دارد. مورخان در دوازده سدهٔ گذشته همواره، دو سردار را به عنوان فاتح این شهر معرفی کرده‌اند. بدین روی بر خود لازم دانستم به پژوهش دربارهٔ روایات فتح اصفهان پرداخته، آنها را به بوتهٔ نقد و بررسی سپرده و به استقصای دلایل پذیرش یکی از این دو دسته روایات پردازم. روش تحقیق توصیفی تحلیلی است و از منابع کتابخانه‌ای و نیز از منابع درجه اول تاریخی استفاده شده است.

یکی از مشکلات علم تاریخ اختلاف روایات دربارهٔ وقایع تاریخی است. انتخاب یک خبر از میان چندین روایت، مورخان را ناگزیر می‌سازد تا با دیدی انتقادی و علمی به پژوهش دربارهٔ این‌گونه اخبار بپردازند و خبر صحیح را از دروغ بازشناسی کنند. پژوهشگر تاریخ علاوه بر بررسی اسناد و روایان خبر، اخبار را با تمدن، احوال اجتماعی و اوضاع جغرافیایی مقایسه کرده، امکان وقوع خبر از نظر عقلی و سازگاری آن را با زمان وقوع و طبیعت انسانی بررسی می‌کند، سپس با سنجش اخبار با یکدیگر و مطابقت با قواعد سیاست (۴/ ص ۲۸) و با تحلیل و تفسیر و بررسی علل و عوامل وقوع حوادث، به بازشناسی روایات می‌پردازد. مورخان با احاطه به تاریخ می‌توانند یکی از دو خبر متعارض را که جمع میان آنها مشکل است، انتخاب کنند و به تزویرها و تحریف‌های روایان پی ببرند (۱۹/ ص ۸۴).

دربارهٔ فتح اصفهان به دست اعراب مسلمان، در میان منابع تاریخی اختلاف وجود دارد. گروهی فاتح اصفهان را عبدالله بن بُدَیْل بن وَرْقَاء حُزَاعی و برخی عبدالله بن عبدالله بن عتبَان اَسَدی یا انصاری معرفی کرده‌اند. در این مقاله کوشش بر آن است تا روشن نماید کدام‌یک از این دو فاتح اصفهان بوده‌اند.

اصفهان در پیش از اسلام یکی از شهرهای بزرگ و سرسبز ایران زمین بود و از چنان امکاناتی برخوردار بود که فیروز، پادشاه ساسانی تصمیم گرفت این شهر را به پایتختی انتخاب کند. بدین منظور دستور داد باروی جَیّ را تکمیل کنند (۱۴/ ص ۵۷). و دروازه‌های آن را به دست آذر شاپور پسر آذرمانان اصفهانی بیست (۱۵/ ص ۵۳). اصفهان در هنگام فتح به دست مسلمانان دارای دو شهر یهودیه و جَیّ بود (۳۱/ ص ۴۹). مساحت جَیّ در قرن سوم هجری قمری دو هزار جریب و باروی عظیم آن چهار دروازه و یکصد

برج داشت و محیط باروی آن هفت هزار ذراع بود (۵ / ص ۴۹). «یهودیه هفتصد جریب وسعت داشت که یهودیان در آن ساکن بودند.» (۱۴ / ص ۳۵) در دوره ساسانیان سواره نظام آنان در این شهر نگهداری می شد و یزدگرد سوم هنگام فرار از حُلوان به اصفهان گریخت (۱۲ / ص ۳۱۱). و برای مقابله با اعراب از این شهر نیروی بسیاری جمع آوری کرد و به نهاوند فرستاد.

بی شک خلیفه دّوم که هنگام رایزنی با هرمزان (۱۴ / ص ۴۲). از اوضاع و احوال و اهمیت شهر اصفهان آگاه شده بود، باید فردی شایسته را برای فتح شهر با اهمیت اصفهان مأمور می کرد. بدین سبب عمر، عبدالله بن بُدَیل بن وِرقاء خُزاعی را در سال بیست و سه به اصفهان فرستاد. عبدالله نیز پس از نبردی کوتاه با پادوسیان (فادوسفان) شهر اصفهان که پیرمردی سالخورده بود، شهر را به صلح بگشود به قراری که مردم آن جزیه و خراج پردازند. عبدالله، اَحْنَف بن قَیس تمیمی را که در سپاه وی بود به یهودیه فرستاد و مردم آن با وی مصالحه کردند. عبدالله بر تمامی سرزمین اصفهان چیره شد و تا یک سال عامل آن بود. سپس عثمان، سائب بن اقرع را والی اصفهان کرد (۱۲ / ص ۳۰۸). این روایت به دلایل ذیل می تواند، صحیح باشد:

الف) فتح اصفهان به دست عبدالله بن بُدَیل یک خبر متواتر است و منابع بسیاری نیز آن را گزارش کرده اند (۳۲ / ص ۴۶؛ ۱ / ص ۱۲۵؛ ۷ / ص ۲۶۸).

ب) سیف بن عمر تمیمی درباره عبدالله بن بُدَیل نوشته است: «آنان که آگاهی ندارند، به سبب ذکر نام وِرقاء چنین پندارند که یکی از آن دو (همراهان فاتح اصفهان) عبدالله بن بُدَیل بن وِرقاء خُزاعی است. آنان گمان کرده اند این عبدالله به جدّ خویش وِرقاء منسوب است، در صورتی که عبدالله بن بُدَیل هنگامی که در صَفَین کشته شد، بیست و چهار سال داشت و در روزگار عمر خردسال بود (۲۱ / ص ۲۲۳). در این گزارش سیف قصد تخریب شخصیت عبدالله بن بُدَیل را داشته است، زیرا عبدالله اگر کودک می بود، نمی توانست در فتح مکه، غزوه حنین، طائف و تبوک همراه رسول الله (ص) شرکت کند، زیرا آن حضرت نوجوانان را از جنگ باز می داشت (۲۸ / صص ۲۱ و ۲۱۶).

ج) در منابع نام عبدالله بن بُدَیل جزو اصحاب رسول الله (ص) که به شهر اصفهان وارد شده اند، (۱۰ / ص ۲۹۲) آمده است.

د) اسناد روایتی که عبدالله بن بُدَیل را فاتح اصفهان معرفی می کند، شامل محمد بن سعد،

هیثم بن جمیل، حماد بن سلمه و محمد بن اسحاق (۱۲ / ص ۳۰۹) از اخباریان و مورخان مشهور تاریخ اسلام هستند.

ه) عبدالله بن بُدَیْل از اصفهان به طبرس لشکر کشید و با مصالحه آن شهر را گشود (۱۲ / ص ۳۹۴؛ ۱۴ / ص ۸۹).

و) حضور خزاعی‌ها در شهر اصفهان از قرآینی است که بر فتح آن به دست عبدالله بن بُدَیْل خزاعی دلالت دارد (۳۱ / ص ۵۰).

ظ) درباره شخصیت عبدالله بن بُدَیْل، باید گفت، که او یکی از هوشمندان عرب (۲ / ص ۱۸۴) و از قبیله خزاعه بود. این قبیله از شاخه‌های آزد بود که دانشمندان انساب، نسب آن را چنین نوشته‌اند:

بنو عمرو بن ربیع بن حارث بن عمرو (مُزَیْقِیَاء) بن عامر (ماء السماء) (۲۶ / ص ۲۰).

قبیله خزاعه پس از مهاجرت از یمن در اطراف مکه، مَرَّالْظَهْران، تنعیم، جِعْرانَه، عسفان، قَدید و تهامه مکه سکونت گزیدند (۹ / ص ۹۱). قبیله خزاعه پس از هجرت رسول خدا (ص) به مدینه منوره با وی همکاری می‌کردند و مسلمان و مشرک آنان همگی رسول‌الله (ص) را دوست می‌داشتند و او را از وقایع و اخبار مکه و تهامه با خبر می‌ساختند و از هواداران وی محسوب می‌شدند (۹ / ص ۱۰۲). در سال پنجم هجری هنگامی که قریش آهنگ مدینه داشت، گروهی از سواران خزاعه به مدینه منوره آمدند و رسول خدا (ص) را از حرکت آنان با خبر ساختند (۲۸ / ص ۴۴۵). در پیمان حدیبیه قبیله خزاعه با رسول‌الله (ص) هم‌پیمان گردید. روابط مشترک و همکاری متقابل بین خزاعه و رسول‌الله (ص) هر روز ابعاد بیشتری می‌یافت و در فتح مکه با وی همراهی کردند (۶ / ص ۲۹۴). از این قبیله گروهی پیش از جنگ احد مسلمان شدند که از جمله آنان نافع بن بُدَیْل بن وَرْقَاء، برادر عبدالله بود که از قاریان قرآن شد و در بئر معونه کشته شد (۶ / ص ۲۹۴). عبدالله و پدرش پیش از فتح مکه اسلام آوردند و در فتح مکه، غزوه حُنین، طائف و تبوک شرکت کردند (۲۲ / ص ۱۶). در حُنین رسول‌الله (ص) بُدَیْل را به سرپرستی غنایم بسیار زیاد جنگ گماشت (۶ / ص ۲۹۴). بُدَیْل در حجة الوداع همراه رسول خدا (ص) بود و سرانجام پیش از رحلت وی از دنیا رفت (۱ / ص ۱۷۰).

عبدالله بن بُدَیْل از اصحاب رسول‌الله (ص) و از شیعیان امیر مؤمنان علی علیه السلام بود. وی جزو نخستین بیعت‌کنندگان با او بود (۲۰ / ص ۵۷)، در جنگ جمل

شرکت جست و فرزندش در آغاز جنگ به دست ناکثین کشته شد (۲۰ / ص ۲۰۵). عبدالله در صفین همراه امیر مؤمنان^(ع) بود و به وی گفت: «معاویه و یارانش برای فرار از مساوات به واسطه دوستی دنیا و تنگ نظری و به واسطه کینه‌ای که در سینه‌هایشان هست و ضرباتی که تو در گذشته به آنان زده‌ای و پدران و برادرانشان را کشته‌ای، با ما می‌جنگند» (۲۷ / ص ۱۰۲). عبدالله در صفین فرمانده پادگان سپاه امیر مؤمنان^(ع) بود (۱۶ / ص ۱۴۶). در روز نهم جنگ به یاران خود گفت: «با این یاغی‌های ستم‌پیشه پیکار کنید و از آنان بیم نکنید. یک بار همراه رسول خدا^(ص) با آنان جنگیده‌ام و این بار دوم است که با آنان می‌جنگیم.» (۲۱ / ص ۱۰۵). وی به همراه یکصد نفر از قاریان قرآن و سلیمان بن صرد خزاعی و عمر بن حموق خزاعی چنان حمله‌ای به قرارگاه معاویه برد که او فرار کرد و به یارانش فرمان داد عبدالله را سنگباران کنند. شامیان نیز وی را سنگسار کردند تا به شهادت رسید (۱۷ / ص ۲۱۷). بدین سان خلیفه دوم یکی از اصحاب شجاع و هوشمند رسول خدا^(ص) را به نام عبدالله بن بُدَیل خزاعی، که شایستگی فتح بزرگ و با اهمیتی همچون اصفهان را داشت، بر چنین امر مهمی مأمور کرد.

روایت دیگر درباره فتح اصفهان ساخته سیف بن عمر تمیمی است که می‌نویسد: «عمر پرجمی برای عبدالله بن عبدالله بن عتبان انصاری بست و او را فرمان داد در سال ۲۱ هجری به اصفهان رود و عبدالله بن ورقاء ریاحی را بر مقدمه سپاه او، و عبدالله بن حارث بن ورقاء اَسَدی و عصمه بن عبدالله بن حارث را بر دو جناح سپاه گماشت. عبدالله از نهاوند به سوی اصفهان رفت و شهرتزاز را بکشت و با استاندار آن صلح کرد.

عبدالله از روستای شیخ به جعی آمد و با فادوسفان آن صلح کرد، به شرط آنکه هر کس خواهد بماند و جزیه بپردازد و بر سر مال خویش باشد و با دیگرانی که زمینشان را گرفته‌اید نیز چنین کنید. هر که از شرایط ما سر باز زند، هر جا که خواهد رود و زمینش از آن شما باشد. عبدالله نیز پذیرفت (۲۱ / ص ۲۲۳؛ ۱۴ / ص ۴۶). این روایت دارای اشکالات متعددی است که پذیرفتن آن به هیچ روی ممکن نیست:

۱- مسلمانان در سال ۲۱ ه. ق تازه نهاوند را فتح کرده بودند و امکان یک حمله بزرگ به اصفهان با فاصله بسیار از نهاوند بدون فتح شهرهای مسیر راه امکان‌پذیر نبود و شایسته آن است که روایت بلاذری درباره حمله به اصفهان را بپذیریم که به سال ۲۳ هجری صورت گرفته است. سال ۱۹ نیز که یاقوت حموی نقل کرده (۳۰ / ص ۲۰۹)، به طور کلی

نادرست است، زیرا در سال ۱۹ حلوان به تصرف مسلمانان درآمده بود و امکان حمله به اصفهان به هیچ روی نبود.

۲- روایت سیف خیر واحد است و پذیرش خیر واحد با یک راوی دروغگو، در جایی که خیر متواتر وجود دارد غیر قابل قبول است.

۳- عبدالله بن عبدالله بن عتبّان اموی انصاری و عبدالله بن وراق ریاحی، چهره‌های شناخته شده در بین اصحاب رسول (ص) نیستند و کتب شرح حال گزارش خود را از سیف گرفته‌اند و کتابهای سیره و مغازی چنین نامهایی را از دوران رسول الله (ص) گزارش نکرده‌اند. در این صورت این دو قهرمانان افسانه‌ای سیف بن عمر هستند.

۴- احتمالاً سیف، عبدالله بن وراق ریاحی را به جای عتبّان بن وراق ریاحی که در روزگار حجاج مدت کوتاهی حکومت اصفهان را داشت (۲۹ / ص ۱۰۰)، گرفته است.

۵- روایت اگرچه با هنرمندی ساخته شده است، ولی مشحون از ناهماهنگی و آشفتگی در ترتیب وقوع حوادث، سال و مکان وقوع است.

۶- در روایت سیف از شخص دیگری به نام زیاد بن حنظلّه تمیمی نام برده شده که محقق تاریخ اسلام، سید مرتضی عسگری، به خوبی روشن نموده است که وی یکی از قهرمانان افسانه‌ای سیف بن عمر تمیمی است (۲۵ / ص ۹۰).

۷- در دروغگویی سیف درباره عبدالله بن عبدالله بن عتبّان همین بس که در هیچ منبع فتوح و تاریخ پیش از طبری نامی از وی برده نشده است و همه کتابهای شرح حال، گزارش مبهمی از عبدالله بن عبدالله بن عتبّان به نقل از سیف به دست می‌دهند (۳ / ص ۳۳۶؛ ۱۰ / ص ۲۸۹).

۸- درباره سیف بن عمر تمیمی باید گفت در روایات او تشکیک بسیار است و حدیث پژوهان و دانشمندان همچون یحیی بن معین، ابوحاتم سجستانی، ابوداود، نسایی و حاکم حسکانی نیشابوری و ابن جبان، سیف را از سازندگان حدیث می‌دانند و روایات او را فاقد ارزش و ضعیف دانسته‌اند (۱۸ / ص ۱۶۲)، زیرا وی اخبار خرافی و افسانه‌ای بسیاری را وارد تاریخ کرده است. از آن جمله داستان عاصم بن عمرو تمیمی است. سیف می‌نویسد: «هنگامی که وی در صدد تهیه گاو و گوسفند بود، چوپانی به دروغ قسم یاد کرد نمی‌داند آنها کجا هستند، ناگهان از میان بیشه گاوی بانگ زد دروغ می‌گوید.» (۲۱ / ص ۱۴).

نمونه دیگری از افسانه‌های سیف درباره لشکرکشی علاء بن حضرمی به جزیره دارین است که وی مسیری را که با کشتی یک شبانه روز طی می‌کردند، با مسلمانان از روی آب همچون راه رفتن بر شن و ماسه بیابان، پشت سر گذاشتند و آن جزیره را فتح کردند (۲۱ / ص ۵۲۶).

از دیگر اخبار خرافی سیف بن عمر درباره عبلة بن کعب، مشهور به اسود عَنسی است که دارای شیطانی بود که به وی وحی می‌کرد (۲۱ / ص ۴۶۸). همچنین درباره جنازه عبدالرحمان بن ربیع می‌نویسد: «ترکان بلنجر تاکنون به وسیله آن جنازه طلب باران می‌کنند و از او یاری می‌جویند (۲۱ / ص ۳۵۱).

۹- سیف بن عمر درباره اخبار جنگهای سپاه خالد بن ولید با ایرانیان گزاره‌گویی بسیار دارد که از آن جمله درباره جنگ اَلیس می‌نویسد: هفتاد هزار نفر از مردم اَلیس به دست سپاهیان خالد کشته شدند (۲۱ / ص ۵۶۲). به خوبی بر ما روشن است که این آمار دروغ است، زیرا یک پادگان مرزی گنجایش یک چنین نیرویی را نداشته است و منابع دیگر از پیمان صلح مردم اَلیس با مسلمانان سخن می‌گویند (۱۲ / ص ۲۴۴). در این صورت اخبار پیکارهای خونین و کشتار هزاران هزار انسان و سیلابهای خون، همه دروغ و اخباری بی پایه است.

سیف بن عمر در ذکر سال وقوع حوادث، سالها را به جلو کشیده است؛ از جمله فتح خراسان به دست احنف بن قیس تمیمی را در سال هیجده آورده است، در حالی که همه منابع و شواهد حکایت از فتح خراسان در دوران خلافت عثمان دارد.

یکی دیگر از افسانه‌های سیف بن عمر داستان خیالی عبدالله بن سبأ می‌باشد:

وی می‌نویسد: عبدالله بن سبأ یهودی در حدود سال ۳۱ هجری اسلام آورد (۲۱ / ص ۴۲۷)، و شورش علیه عثمان را به وجود آورد. به گزارش سیف بن عمر، عبدالله بن سبأ، برای نخستین بار علی (ع) را وصی رسول الله (ص) و خلفا را غاصب معرفی کرد (۲۱ / ص ۳۷۸).

اسطوره پردازی سیف از آنجا روشن می‌گردد که اولین بار مسأله وصایت علی (ع) را رسول الله (ص) در حادثه یوم الانذار مطرح کردند و فرمودند: «ان هذا اخی و وصی و خلیفتی فیکم فاسمعوا له و اطیعوا» (۲۱ / ص ۶۳).

امیر مؤمنان نیز خود برای نخستین بار در خطبه شفشقیه، خلفا را غاصب معرفی کردند (۱۷ / ص ۱۲). شورش علیه عثمان نیز در نتیجه اعمال ناشایست امویان و تبعیضات ناروای عثمان شکل گرفت.

تحقیقات جدید مستشرقان (۱۱ / ص ۶۵) و محققان اهل سنت (۲۳ / ص ۱۴۰) و شیعه (۲۴ / ص ۶۰) نشان می‌دهد دعوتی را که به عبدالله بن سبأ نسبت داده‌اند، آفریده سیف بن عمر تمیمی است که به قصد دشمنی با امیر مؤمنان علی^(ع) و شیعیان او ساخته است. توطئه و ایجاد بلوا و شورش علیه عثمان به دست عبدالله بن سبأ با این اندیشه و سازمان در سال ۳۵ هجری، در جامعه‌ای که دارای نظام قبیله‌ای بود، باور کردنی نیست. منابع تاریخی، انساب و طبقات پیش از طبری نیز چنین گزارشی را برای ما نقل نکرده‌اند. حجم استفاده طبری از روایات سیف بن عمر درباره جنگهای رده، فتوحات و حوادث اواخر دوره عثمان بسیار گسترده است و سیف برخی شخصیت‌ها، مکانها و آمار افسانه‌ای بسیاری را وارد تاریخ کرده است و در روایات او غث و سمین بسیار راه دارد. بر پژوهشگران تاریخ است که این‌گونه روایات را با روشهای علمی بازشناسی کنند. اما این مسأله بدان‌گونه نیست که تاریخ طبری سراسر افسانه باشد، بلکه چنین نیست و حوادث پس از جمل - که هیچ روایتی از سیف در آن نیست - معتبر و مستند است، زیرا از منابع ارزشمندی مثل ابومخنف و نصر بن مزاحم گرفته شده‌اند و به دلیل تواتر روایات و روایان موثق قابل اعتماد می‌باشند و اگر تاریخ طبری نبود بسیاری از گزارشهای تاریخی از سه قرن اول تاریخ اسلام به ما نمی‌رسید.

بدین سان بر ما روشن می‌گردد فاتح اصفهان عبدالله بن بُدَیْل بن وَرْقَاء خُزَاعِی بوده است، زیرا روایت فتح اصفهان به دست وی موثق است و روایانی مورد اطمینان و مشهور دارد و خبری متواتر و متوازن است که با حوادث پیش از فتح اصفهان و پس از آن هماهنگی دارد.

عبدالله بن عبدالله بن عثمان نیز یک شخصیت افسانه‌ای ساخته ذهن سیف بن عمر تمیمی است که به دلیل دشمنی با شیعیان نام عبدالله بن بُدَیْل، یکی از یاران امیر مؤمنان علی^(ع) را به بوته فراموشی سپرده است، والله اعلم.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن الاثیر، علی بن محمد. *اسد الغابه فی معرفة الصحابه*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، (۱۳۷۷ق).
- ۲- ابن حبیب، محمد. *المختبر*، روایة ابی سعید الحسن بن الحسین الشکری، تصحیح ایلزه لیختن اشتین، دارالآفاق الجدیده، بیروت، (بی تا).
- ۳- ابن حجر، ابوالفضل احمد بن عسقلانی، *الاصابه فی تمييز الصحابه*، دارالاحیاء التراث العربی، تهران، (۱۳۲۸ق).
- ۴- ابن خلدون، عبدالرحمن. *مقدمه، الاعلمی للمطبوعات*، بیروت، (بی تا).
- ۵- ابن رسته اصفهانی، ابوعلی احمد. *الاعلاق النفیسه*، ترجمه حسین قره چانلو، امیرکبیر، تهران، (۱۳۵۶ش).
- ۶- ابن سعد محمد کاتب. *الطبقات الکبری*، دارصادر، بیروت، (بی تا).
- ۷- ابن عبدالبر قرطبی، یوسف بن عبدالله. *الاستیعاب سانی معرفة الاصحاب*، بهامش الاصابه، دارالاحیاء التراث العربی. بیروت، (بی تا).
- ۸- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم. *الامامة والسیاسة*، منشورات الشریف الرضی، قم، (۱۳۶۳).
- ۹- ابن هشام، عبدالملک. *السیرة النبویه*، تحقیق مصطفی السقاء، ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلبی، مطبعة مصطفی البابی الحلبی و اولاده، مصر، (۱۳۷۵ق).
- ۱۰- ابو الشیخ، ابو محمد (حافظ). *طبقات المحدثین باصبهان والواردین علیها*، تحقیق عبدالغفور عبدالحق، مؤسسه الرساله، بیروت، (۱۳۱۲ق).
- ۱۱- برنارد، لوئیس. *بنیادهای کیش اسماعیلیه*، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات ویستن، تهران، (۱۳۷۰ش).
- ۱۲- بلاذری، ابوالحسن. *فتوح البلدان*، تحقیق رضوان محمد رضوان، داراکتب العلمیه، بیروت، (۱۳۹۸ق).
- ۱۳- ثقفی ابواسحاق کوفی. *الغارات*، تحقیق سید عبدالزهراء الحسینی الخطیب، دارالاضواء، بیروت، (۱۴۰۷ق).
- ۱۴- حافظ ابوتعمیم اصفهانی، احمد بن عبدالله. *ذکر اخبار اصفهان*، تحقیق سید حسن کسروی، دارالکتب العلمیه، بیروت، (۱۴۱۰ق).
- ۱۵- حمزه اصفهانی. *سنی ملوک الارض و الانبیاء*، ترجمه جعفر شعار، امیرکبیر، تهران، (۱۳۶۷ش).

- ۱۶- خلیفه بن خیاط عصری. تاریخ خلیفه بن خیاط، تحقیق سهیل زگار، دارالفکر، بیروت، (۱۳۱۲ق).
- ۱۷- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود. اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی، نشر نی، تهران، (۱۳۶۴ق).
- ۱۸- ذهبی، شمس‌الدین. تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، دارالکتاب العربی، بیروت، (۱۴۱۴ق).
- ۱۹- سخاوی. الاعلان بالتویخ لمن ذم اهل التاریخ، چاپ شده در فرانتس روزنتال، تاریخ‌نگاری، ترجمه اسدالله آزاد، چاپ آستان قدس رضوی، مشهد، (۱۳۶۸ش).
- ۲۰- شیخ مفید. جمل، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران، (۱۳۶۷ش).
- ۲۱- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. تاریخ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، (بی‌تا).
- ۲۲- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. ذیل المذتیل (ذیل التاریخ طبری)، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت، (بی‌تا).
- ۲۳- طه حسین. الفتنه الکبری، ترجمه سیدجعفر شهیدی، انتشارات علمی، تهران، (۱۳۶۳ش).
- ۲۴- عسگری، سید مرتضی. افسانه عبدالله بن سبأ، ترجمه احمد فهری زنجانی، مجمع علمی اسلامی، تهران، (۱۳۶۰ش).
- ۲۵- عسگری، سید مرتضی. یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ترجمه عظامحمد سردار نیا، مجمع علمی اسلامی، تهران، (۱۳۶۲ش).
- ۲۶- الکلبی، هشام بن محمد بن سائب. جمهرة النسب، تحقیق فردوس العظم، دارالیقظة العربیه، دمشق، (بی‌تا).
- ۲۷- نصر بن مزاحم منقری. وقعة صفین، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، دارالجبل، بیروت، (۱۴۱۰ق).
- ۲۸- واقدی. المغازی، تحقیق مارسدن جونز، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، (۱۴۰۹ق).
- ۲۹- ولهوزن، یولیوس. شعیه و خوارج، ترجمه محمودرضا افتخارزاده، دفتر نشر معارف اسلامی، قم، (۱۳۷۵ش).
- ۳۰- یاقوت حموی، شهاب‌الدین. معجم البلدان، دار صادر، بیروت، (۱۳۸۸ق).
- ۳۱- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب. البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، (۱۳۵۶ش).
- ۳۲- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب. تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، (۱۳۶۲ش).